نشر حوادث دفاع مقدس توسط زنان و خانواده‌های رزمندگان اسلام

رمز ماندگاری فرهنگ ایثار و شهادت

ضبط و ثبت صحیح و ماندگار یک واقعه در تاریخ و اذهان و اوراق، نیاز به مقدماتی دارد. اصلی‌ترین مقدمه همسویی یا ناهمگونی شدید و واضح، با مشترکات افراد زمان وقوع آن حادثه است؛ به‌گونه‌ای که توجه عام و خاص را به خود جلب کند. هر چه قدر که این مسائل مشترک مهم‌تر و اساسی‌تر باشد؛ هر چه شاهدان و درک کنندگان آن‌ها از حیث تعداد گسترده و از حیث موقعیت‌های اجتماعی دایره وسیع‌تری از اقشار جامعه را به خود مشغول کرده باشد و یا این‌که جزء مسلمات عقلی باشد؛ به‌طور طبیعی ثبات بیشتری پیدا خواهد کرد و به اعصار دیگر بهتر منتقل می‌شود.

ازجمله حقایقی که در تاریخ اسلام این ویژگی‌ها را دارا بوده است مسئله تعیین خلافت پیامبر صلی‌الله علیه و آله از طرف خود ایشان، درصحنه‌های گوناگونی به‌ویژه در غدیر خم است. این موضوع ازلحاظ گستره کمی و کیفی مخاطبان در غدیر خم و ابراز علاقه و تأیید و تصدیق نسبت به خلافت حضرت علی علیه‌السلام و فرزندان پاک و مطهر ایشان و از طرف دیگر ازلحاظ استدلال‌ها و براهینی که هر عقل سلیمی می‌تواند بنا بر شناخت منصفانه حضرت امیر علیه‌السلام به کار ببرد، و حکم بر این موضوع کند؛ از امتیازات ویژه‌ای برخورداراست.

وقوع واقعه کربلا، پیکار جبهه حق علیه باطل به‌خوبی در ذهن تاریخ ثبت‌شده است؛ باطل برای محو این حادثه عظیم از حافظه تاریخ از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. تمام کاتبان و به قول امروزی‌ها، رسانه‌های زمان خویش را بسیج کردند تا صدای مظلومیت حسین(ع) و یاران باوفایش در همان صحرای تفتیده و زیر شن‌های آن

مدفون بماند. شاید یکی از دلایل رویارویی با حضرت سیدالشهدا(ع) در دل بیابان‌ها و دور از نظر مردم نا انصاف همین بود که واقعه بزرگ عاشورا در دل همان جا بماند و یا از طریق راویان مرتبط با دستگاه ظلم به گوش‌ها برسد. اما چه شد که پس از گذشت سال‌های متمادی از بروز و ظهور این حماسه هنوز قلیان و جوشش مظلومیت و حرارت خون‌های پاک حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یارانش در دل‌های همه آزادگان جهان روز به روز افزون‌تر می‌شود.

به نظر می‌رسد مهمترین علت این تأثیر و ماندگاری در تاریخ پس از اخلاص و حرکت در راه خداوند متعال، انتقال این حادثه فرهنگ‌ساز و تثبیت آن در تاریخ با بیان واقعیات به زبان و عمل حضرت امام سجاد(ع) و حضرت زینب کبری(س) و انتقال پیام‌های آن در اذهان و قلب مردم در ورای زمان وقوع آن است. این همان حرکت بزرگی بود که توانست در کوران تبلیغات مسموم یزیدیان و در اوج ظلم و ستم، حماسه عاشورای حسینی(ع) را برای همگان ماندگار کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و نجات مظلومان از چنگال استبداد و استکبار، مستکبرین به این نتیجه رسیدند که باید این ندای آزادگی و آزادی خواهی نه تنها به گوش کسی در جهان برسد بلکه باید در همان نای خسته و رنجور مظلوم خفه شود، پس هرچه داشتند برای مصاف با مظلومان به صحنه آوردند. طرفی ملتی ایستاده بود که تازه از یوغ ظالمان رهایی یافته و می‌خواست که روی پای خود به ایستد و طرف دیگر تمام استکبار بود که رای زانو زدن ایران و ایرانی در همان نوپا شدن کمر همت خود را محکم بسته بود. سبکسری را در منطقه برای شروع جنگی نابرابر انتخاب کردند. هرچه داشتند و نداشتند برایش مهیا کرده و آتش جنگی هشت ساله را برای نابودی ایران و ایرانی و نظام مقدس اسلامی‌اش بر افروختند.

همه محاسبات مادی نشان می‌داد که پیروزی از آن مستکبرین خواهد بود اما هنوز از درک معانی ایمان به خدا، توکل، شهید و شهادت غافل بودند، کلماتی که نه تنها بر زبان ایرانیان جاری بود بلکه به طور اخص در دل و جانشان رسوخ داشت. هشت سال پر از فراز و نشیب فراوان بر این ملت گذشت، ملتی که در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی تازه طعم شیرین رهایی را در کامش مزه مزه می‌کرد و حالا همه برای تلخی حلاوت جشن پیروزی‌اش در تکاپو بودند.

در کشور هیچ کس از چیزی دریغ نمی‌کرد حتی از عزیزتر از جانشان یعنی فرزندان دلبند خود که سال‌ها برای به ثمر نشستن شان رنج‌ها کشیده بودند. بعضی حتی شهادت چند فرزندشان را برای خود افتخار می‌دانستند و به همه سفارش می‌کردند که شهادت را تبریک بگویید نه تسلیت.

این همان انتقال فرهنگ عاشورا بود که به خوبی سینه به سینه و نسل به نسل برای این ملت به ارث رسیده بود و در دفاع مقدس متبلور شد. پیامی که با زبان و عمل امام و سجاد(ع) و حضرت زینب کبری(س) برای ما به یادگار گذاشته شد و در روز نیاز به کمک این مردم شتافت.

پس از هشت سال دفاع مقدس پدران و مادران، همسران و فرزندان رزمندگان دفاع مقدس رهپوی حرکت پیام‌آوران حماسه کربلا شدند و با بیان وقایع روزهای

خون و شمشیر بر ماندگاری تاریخ ایثار و شهادت افزودند. کسانی که در روزهای جنگ دل از فرزند و همسر و دلبستگان می‌بریدند و همچون شمع در پشت جبهه‌ها می‌سوختند و می‌ساختند اما وقتی رزمنده از صحنه نبرد به منزل باز می‌گشت چنان وانمود می‌کردند که گویا در غیاب او خانه و خانواده در آرامش کامل بوده و این باعث آسودگی خیال و ترغیب دوباره رزمندگان برای حضور در جبهه‌ها می‌شد. رزمنده وقتی می‌توانست به خوبی بجنگد که از اوضاع خانواده خویش دل آسودگی نسبی داشت.

همین خانواده معظم رزمندگان بودند که ضمن انجام امور خانه و خانواده و ایجاد آسایش روانی برای رزمندگان با ایجاد حرکت‌هایی همچون جمع‌آوری کمک‌های مردمی، پرستاری از جانبازان و مجروحین، دلجویی از خانواده شهیدان و حتی خدماتی چون بافت جوراب، کلاه، دستکش و لباس برای خطوط مقدم جبهه، پشتوانه محکمی برای ادامه راه و طریق شهادت بودند. سنگهای صبری که بدون هیچ چشم داشتی تمامی مسئولیت‌های زندگی پر از هیاهوی دوران جنگ را بر عهده گرفته و با تاسی به امام‌سجاد(ع) و حضرت زینب کبری(س) هم مراقب کاروان کربلا بودند و هم راویان و پرچم‌داران نهضت عاشورا...

سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس آجا
نویسنده: سرهنگ ستاد حمیدرضا سهیلی

ناگفته‌هایی از عملیات بیت‌المقدس هفت

قسمت سوم

راوی: عبدالخالق فرهادی‌پور

نجات نیروها از محاصره

خلاصه وقتی به نیروها گفتم سریعتر اینجا را ترک کنید و بروید عده‌ای گفتند خودت هم با ما بیا و چرا نمی‌آیی؟ که در این موقع بالای سر معلم عزیز آقای پرنیان‌خو نشستم و وضعیت او را که از تشنگی و گرما بیهوش شده بود بررسی می‌کردم.

به نیروها گفتم شما حرکت کنید سریع بروید من هم با دوسه نفر از بچه‌ها سعی میکنیم آقای پرنیان خو را به دوش بگیریم و پشت سر شما به عقب بیاوریم و هرچه اصرار کردند که بیا گفتم این بنده خدا زنده است و شاید بتوان او را هم نجات داد و در این موقع پیراهن خود را که مدارک و کارت و... داخل جیبش بود از تن خارج کردم و به رزمنده عزیز رامین

***حالا دیگر به تعقیب برای کشتن و اسارت ما حرکت کرده بودند بسیار زیاد و حجیم بود و انگار دقیقا ما را سیبل هدف قرار داده بودند، از طرفی خورشید انگار بیش از پیش ما را در این وضعیت جزغاله میکرد و تشنگی و بی‌آبی و... هم با دشمن تا دندان مسلح دست به دست هم داده بودند و بدتر از همه روشنایی روز بود که مارا مستقیما در دید و تیر مستقیم دشمن قرار می‌داد**

جوکار دادم که با خود به عقب ببرد و حالا دیگر یک زیرپیراهن رکابی به تن داشتم، یک دکل بلند را که شاخص خوبی بود به آقای رسولی نشان دادم و گفتم سریع به سمت آن دکل حرکت کنید تا آنجا را مسدود و اشغال نکرده‌اند و هادی تقی‌نژاد را پیشقراول آنها قرار دادم و گفتم سریع به سمت دکل مخابراتی و با فاصله از نیروها حرکت کن و برو به سمت دکل و نیروهارا با علامت به مواضع خودی برسان و تا محاصره کامل نشده خارج شوید و... فریاد زدم که همه سریع به عقب بروند و به هر حال آنها به سمت عقب و مسیری که باید میرفتند ادامه مسیر دادند و از همین جا داستان جدایی ما از نیروها و ماندن ما آغاز و سناریوی دیگری در این مقطع از دفاع مقدس برایمان رقم خورد که بسیار متفاوت از تمامی مراحل هشت ساله دفاع مقدس بود.

مقداری آب به دهان و صورت آقای پرنیان خو زدیم و هرچه تلاش کردیم که شاید حالش بهتر شود و بتواند راه برود میسر نشد و نفس نفس میزد،به دو سه نفری از نیروها که برای نجات این رزمنده کنارم مانده بودند (سیدکاظم ابطحی، هاشمی که بیسیم چی بود، رمضان‌الله وردی و..) گفتم کمک کنید و ایشان را به پشت من بگذارید تا او را کول کنیم و به عقب برویم، چون گرما زده و بیهوش بود وضعیت سختی بود و بچه‌ها هر طور بود او را بلند کردند و پشت من قرار دادند که چون سنگین و بیهوش بود هر کدام دست‌های اورا روی شانه‌های من نگهداشته بودند تا نیفتد به هر حال مقداری به عقب آمدیم و گرما و تشنگی و خستگی همراه با آتش دشمن و احتمال بسته شدن آخرین روزنه محاصره در این ساعت روز روشن نگرانی مان را بیشتر می‌کرد.

در این شرایط نگاهم به مسیری بود که عمده نیروهایمان را از آنجا به عقب هدایت کرده بودیم و نگران سرنوشت آنها بودم که آیا از این روزنه خارج شده‌اند یا خیر؟ و دعا میکردم که انشاالله از محاصره کامل نجات و خارج شده باشند چون واقعا پیروزی و موفقیت بزرگتر را پس از انجام عملیات و انهدام دشمن و با تحمل اینهمه سختی و مقاومت و تشنگی و خلق آن حماسه کم نظیر در نجات نیروها از محاصره و تلفات و خسارات کمتر نیروهایمان می‌دانستم و حیف بود حلاوت این دستاوردها تلخ شود.

همینطور که بخاطر سنگینی آقای پرنیان خو به سختی به عقب می‌آمدیم ناگهان یکی از نیروهای همراهمان به خاکریز بلند مجاور اشاره کرد و فریاد زد که صدای نیروهای خودی می‌آید و انگار بچه‌های یگانهای دیگر هستند که با خودرو و... دارند به عقب میروند،گفتم از کجا مطمئنی؟گفت صدایشان و حرف زدنشان بنظرم ایرانی‌ها هستند و انگار نیروهای لشکر ثارالله و کرمانی‌ها هستند و خیلی اصرار کرد که نگاهی بیندازیم و... رزمنده بیهوش را آرام به زمین گذاشتیم و برای یک لحظه احساس کردم انگار درحال شهادت است و انگار قلبش نمیزند.

به بچه‌ها گفتم که من میروم بالای خاکریز که ببینم همین است که شما میگویید یا نه و باشوخی گفتم اگر دشمن بود که به بصره میرویم و اگر خودی بودند که با ماشین یا نفربرهای آنها آقای پرنیان خو را به عقب میبریم و چون ارتفاع خاکریز زیاد بود اصلا مشخص نبود پشت آن خاکریزچه خبر است.

خلاصه با یکی از نیروها بطرف خاکریز مجاور که به موازات محور لشکر المهدی بود و آنسوی آن محور لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود و آنها موفق به الحاق با ما در عملیات نشده بودند و همین امر باعث محاصره نیروهای ما شده بود رفتیم و با سرعت از خاکریز بالا رفتیم که تا نیم تنه مان از خاکریز بالاتر قرار گرفت و خاکریز هم دو جدار بود.

با نگاه به آنسوی خاکریز و روبرو ناگهان دیدیم عراقی‌ها هستند که سوار بر تانک و نفربر و بصورت منظم درحال استقرار پشت خاکریز و همچنین رخنه به عقبه از محور لشکر ۴۱ ثارالله هستند!!!

به محض اینکه ما را در این فاصله کم دیدند فورا نیروهائی که بالای تانکها و نفربرها و یا پیاده بودند ما را با اسلحه نشانه رفتند و به عربی و با صدای بلند خواستند که تسلیم شویم، در یک لحظه انگار بین ما و عراقی‌ها دوئل اجرا شد و چشم در چشم به هم نگاه میکردیم و هیچ حرکتی نکردیم و فقط آرام لبهایم را تکان دادم و به رزمنده همراهم که کنارم قرار داشت و عراقی هارا نظاره میکرد گفتم یک لحظه سریع بنشین و در همان حال نشستم و او را هم به پشت خاکریز کشیدم که تیر مستقیم اصابت نکند و رو به آن دو سه نفری که بر بالین آقای پرنیان خو ما را نظاره میکردند فریاد زدم سریع به عقب فرار کنید و... و خودمان هم بطرف آنها درحال دویدن بودیم که چشمتان روز بد نبیند عراقی‌ها ما را بستند به رگبار گلوله آنهم چه گلوله بارانی و از بس شدت تیر اندازی زیاد بود هر کدام از این چند نفر به سمت خاکریز،گودال و چاله و.... پناه بردند و من هم با یکی از آنها بنام سید کاظم ابطحی که اهل شهرستان نی ریز فارس بود به پشت خاکریز بسیار کوچک و کوتاهی پناه بردیم، آتش و تیر اندازی دشمن هم از سمت محور لشکر ۴۱

ثارالله که حالا دیگر به تعقیب برای کشتن و اسارت ما حرکت کرده بودند بسیار زیاد و حجیم بود و انگار دقیقا ما را سیبل هدف قرار داده بودند.

از طرفی خورشید انگار بیش از پیش ما را در این وضعیت جزغاله میکرد و تشنگی و بی‌آبی و... هم با دشمن تا دندان مسلح دست به دست هم داده بودند و بدتر از همه روشنایی روز بود که مارا مستقیما در دید و تیر مستقیم دشمن قرار میداد، یه جورایی احساس کردم انگار جنگ و گریز ما توفیق اجباری است چون عراقی‌ها از سرعت و نفوذ برای رخنه بیشتر به عقبه و تکمیل حلقه محاصره بازماندند و این کارباعث می‌شد عمده قوایی را که به عقب فرستاده بودیم موفق به خروج از تنها روزنه محاصره شوند و بعدها متوجه شدم که خدارا شکر همینطور بوده.

وضعیت هر لحظه پیچیده و بحرانی‌تر می‌شد و از بس تیراندازی زیاد و حجیم بود صدا به صدا نمی‌رسید و... به سید کاظم گفتم عراقی‌ها تا چند لحظه دیگر به ما میرسند و باید سریعتر تغییر موضع دهیم و به سمت عقب برویم تا شاید هنوز آخرین روزنه امید بسته نشده باشد و احتمالا نیروهائی که عقب هستند در مقابل دشمن موضع گرفته‌اند تا محاصره کامل نشود و به تاخیر بیفتد و ماهم بتوانیم از این وضعیت خارج شویم، سریع به سمت عقب شروع به دویدن کردیم،تیراندازی بیشتر و صدای عراقی‌ها واضح‌تر بگوش میرسید بخاطر تیراندازی زیاد مجبور شدیم از چاله‌های بزرگی که بر اثر اصابت گلوله‌های

***تیراندازی بیشتر و صدای عراقی‌ها واضح‌تر بگوش میرسید بخاطر تیراندازی زیاد مجبور شدیم از چاله‌های بزرگی که بر اثر اصابت گلوله‌های توپ و خمپاره‌های سنگین و کاتیوشا و... ایجاد شده بود استفاده کنیم و با خیز و نیم خیز سریع به درون چاله‌ها میرفتیم و تمام فضای بالای سرمان و لبه‌های چاله‌هایی که درونشان پناه گرفته بودیم آماج گلوله‌های زیاد و مستقیم عراقی‌ها قرار داشت و حتی در این حفره‌ها هم در امان نبودیم و انگار گلوله‌ها مثل فوج زنبورهای وحشی از همه جای ما زوزه می‌کشیدند**

توپ و خمپاره‌های سنگین و کاتیوشا و... ایجاد شده بود استفاده کنیم و با خیز و نیم خیز سریع به درون چاله‌ها میرفتیم و تمام فضای بالای سرمان و لبه‌های چاله‌هایی که درونشان پناه گرفته بودیم آماج گلوله‌های زیاد و مستقیم عراقی‌ها قرار داشت و حتی در این حفره‌ها هم در امان نبودیم و انگار گلوله‌ها مثل فوج زنبورهای وحشی از همه جای ما زوزه می‌کشیدند و...

برای یک لحظه داشت باورم میشد که شاید بعداز سالها که از دوستان شهیدمان و از قافله شهدا جا مانده بودیم انگار نصیب من بی‌لیاقت هم واقعا داشت شهادت میشد و در شرایطی قرار گرفته بودیم که راه نجات ناممکن شده بود...

ادامه دارد...

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه مهدی دهقانی برابر وکالتنامه شماره ۳۳۸۷۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۸ دفترخانه ۸۵۲ تهران از طرف بهروز زارعان قهی با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق طی شماره شناسه ۱۳۹۹۰۲۱۵۶۶۹۰۰۰۱۰۶ - ورمز تصدیق شماره ۲۱۷۷۴۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۵ دفترخانه ۸۵۲ تهران و برگ تقاضا بشماره وارده ۱۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۳۱ مدعی فقدان سند مالکیت شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۴۳/۸۸ چهل و سه متر و هشتاد و هشت مترمربع واقع در طبقه همکف به شماره ۶۰۲۵۸ فرعی از ۲۳۹۸ اصلی قطعه اول تفکیکی مفروز مجزی شده از ۲۴۷۳۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ده تهران که ذیل ثبت دفتر الکترونیک شماره ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۷۸۰۵۰۴۴۵ بنام بهروز زارعان قهی ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۶۶۳۶۵۴ صادر و تسلیم گردید بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه‌دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.
م الف ۱۳۲۰۸

بهروز جشان ـ کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت معادن لوت سهامی خاص ثبت به شماره ثبت ۵۱۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۶۶۷۰۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که راس ساعت۹ صبح مورخه ۹۹/۶/۵ در محل تهران محله هاشم آباد، خیابان شهید نعمت الله نباتی، خیابان خاوران، پلاک ۱۸۴ ساختمان آهنگ، طبقه ۴ واحد ۳۳، کد پستی ۱۷۹۹۸۱۴۶۶۸ تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

دستور جلسه :
۱ - انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعیین سمت آنها ۲- انتخاب مدیر عامل ۳- تعیین امضای مجاز ۴- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل ۵- انتخاب روزنامه کثیر الانتشار۶-تعیین حقوق و مزایا و حضور برای مدیران و بازرسان ۷- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع می‌باشد.

رئیس هیئت مدیره

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۹/۱۲ — نوبت اول

اداره کل راه و شهرسازی استان تهران در نظر دارد پروژه های ذیل را ازطریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت واگذارنماید.

ردیف	موضوع	شماره مناقصه در سامانه ستاد	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)	برآورد اولیه (ریال)
۱	تجدید پروژه اصلاح و ساماندهی و ارتقای شبکه دسترسی پاکدشت	۲۰۹۹۰۰۳۰۲۹۰۰۰۰۲۶	۵۰۴,۰۱۰,۹۹۲	۱۰,۰۸۰,۲۱۹,۸۳۳

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. همچنین ارسال فیزیکی پاکت الف مطابق برنامه زمانی زیر به آدرس مناقصه گزار الزامی است. (نوع تضمین یکی از تضامین معتبر در آئین نامه تضمین به شماره ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۹/۲۲ می باشد.
آخرین مهلت زمانی ثبت نام و دریافت اسناد : از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ: ۹۹/۰۵/۲۷
آخرین مهلت زمانی ارسال پیشنهاد در سامانه ستاد و تحویل فیزیکی پاکت الف به دبیرخانه مناقصه گزار: ساعت ۱۲:۰۰ مورخ : ۹۹/۰۶/۱۱
زمان بازگشایی پاکات مناقصه به ترتیب راس ساعت ۱۲ روز چهار شنبه مورخ ۹۹/۰۶/۱۲ درآدرس زیر خواهد بود:
آدرس مناقصه گزار: تهران ، خیابان سپهبد قرنی ، خیابان کلانتری، پلاک ۸۰، ساختمان شماره ۱ اداره کل راه و شهرسازی استان تهران تلفن تماس: ۸۸۹۲۱۵۰۵ داخلی ۲۰۶

اداره کل راه و شهرسازی استان تهران

آگهی دعوت سهامداران شرکت جهت حضور در جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فانوس طلایی غرب به شماره ثبت ۱۲۱۲۲۹ (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۶۶۱۲۱۲۷۷ دعوت بعمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت در مورخه: شنبه ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ ساعت ۸ صبح درمحل قانونی شرکت تشکیل میشود حضور بهم رسانند.
دستور جلسه مجمع شرکت: ۱- کاهش سرمایه

هیئت مدیره

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یک قطعه باغ تحت پلاک ۱۳۶۲ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در قریه گوران شهرستان طالقان جزء حوزه ثبتی طالقان بنا به علل منعکس در پرونده باید به عمل آید اینک برحسب تقاضای کتبی از طرف وراث مرحوم پرویز ریاض داودی ذیل وارده ۳۰۰۴۳۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۳ با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت عملیات تعیین حدود آن در ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخه ۱۳۹۹/۰۶/۱۱ در محل به عمل خواهد آمد لذا با انتشار این آگهی از متقاضی و مالکین املاک مجاور دعوت می شود تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یافته و هر ادعایی نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن دارند به نماینده محدد اظهار دارند و کسانی که به عملیات تعیین حدود اعتراض دارند می توانند به استناد ماده ۲۰ ق ث و دراجرای مواد ۷۴ و ۸۶آیین نامه اصلاحی قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدیدی ظرف مدت سی روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک طالقان ارائه نموده و رسید دریافت نمایند و نیز باید ظرف مدت سی روز از تاریخ تسلیم این اعتراض به مراجع ذیصلاح قضائی مراجعه و ضمن تقدیم دادخواست گواهی آن را اخذ و به این اداره تسلیم نمایند درغیر اینصورت اقدام قانونی بنا به تقاضای ذینفع به عمل خواهد آمد . م/الف ۰۱۹۶
تاریخ انتشار: روزیکشنبه ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

فریدون شیاسی ـ رئیس ثبت و اسناد شهرستان طالقان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۰۵۲۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۸ پرونده کلاسه ۱۳۹۸۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۰۲۳۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسین یزدانی به شناسنامه شماره ۱ کدملی ۴۳۲۳۷۱۴۲۲۱ صادره از قاقازان - اسدآباد قزوین فرزند عربعلی در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۷ مترمربع (پس از رعایت بر اصلاحی ۳۸/۵۳ مترمربع نامه شماره ۹۷/۱۷۴۲۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ شهرداری و شورای اسلامی اقبالیه) قطعه سوم افرازی پلاک ۵ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری از ستار شکر ارداقی تأیید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۵/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۹/۵/۱۹

علی شهسواری ـ رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سنندج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم در روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی میگردد . در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نموده و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست. تاریخ نوبت اول :۹۹/۵/۴ - تاریخ نوبت دوم ۹۹/۵/۱۹
رئیس ثبت منطقه یک سنندج بهنام قباد

بخش۲:
۱ - ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بنام محمدی فرزند احمد شماره شناسنامه ۱۳۱ صادره مریوان کد ملی ۳۸۲۰۷۱۲۷۷۱ تحت پلاک ۸ فرعی از ۳۱ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت ۹۴۱۹ متر مربع(با کسر۳۴۹متر مربع بستر ومقدار ۲۵۶/۶۰ متر مربع حریم جاده)خریداری از به صورت سهم ارث ازاحمد محمدی زارع صاحب نسق آدرس سنندج روستای قلعه
۲ - ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بنام محمدی فرزند احمد شماره شناسنامه ۱۳۱ صادره مریوان کد ملی ۳۸۲۰۷۱۲۷۷۱ تحت پلاک ۲۲ فرعی از ۳۱ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت ۳۸۹۸/۳۰ متر مربع(با کسر ۱۸/۳۰ متر مربع در حریم و ۲۱/۷۰ متر مربع در بستر رود خانه ومقدار ۶۲۲ مترمربع حریم جاده) خریداری از به صورت سهم ارث از احمد محمدی زارع صاحب نسق آدرس سنندج روستای قلعه جق
۳ - ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بنام محمدی فرزند احمد شماره شناسنامه ۱۳۱ صادره مریوان کد ملی ۳۸۲۰۷۱۲۷۷۱ تحت پلاک ۲۳ فرعی از ۳۱ اصلی بخش ۱۱ کلاترزان به مساحت۱۹۵۸۹ متر مربع (با کسر۷۴۶ متر مربع در حریم رودخانه می باشد)خریداری از به صورت سهم ارث از احمد محمدی زارع صاحب نسق آدرس سنندج روستای قلعه جق. م الف۱۳۹۸۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۶۳۹ مورخ ۹۹/۳/۲۷ منضم به نامه شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۷۴۹ مورخ ۹۹/۴/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه خیاط فرزند عباس بشماره شناسنامه ۵۹ صادره از فردوس به شماره ملی ۰۸۵۹۴۸۷۶۴۴ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۰/۹۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۶۹۷ فرعی از ۴- اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران خریداری از مالک رسمی محمد زمانی سپهر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
ضمنا نسبت به ملک فوق پلاک ثبتی ۱۰۸۸۰ فرعی از ۴- اصلی تعیین گردید. م الف ۱۲۷۹۳
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۵/۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۵/۱۹

جمشید مهرآسا ـ سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت

آگهی مناقصه عمومی مرحله اول - نوبت دوم

شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت‌نامه شماره ۴۳/ش مورخ ۹۹/۱/۲۷ شورای اسلامی شهر در نظر دارد واگذاری امور خدمات شهری منطقه ماهشهر مرکزی را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجدالشرایط واگذار نماید.
۱ - اسناد مناقصه از مورخ ۹۹/۵/۱۹ تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۶/۲ در مقابل پرداخت مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب سیبا ۰۱۰۵۲۹۳۴۸۲۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه شهرداری تسلیم و پاکت در مورخ ۹۹/۶/۴ به واحد امور قراردادهای شهرداری تحویل می‌گردد. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۹۹/۶/۵ می‌باشد.
۲ - مبلغ برآورد اولیه جهت یک سال ۲۱۸/۰۱۴/۱۰۶/۸۶۸ ریال می‌باشد که پیشنهاددهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۱۰/۹۰۰/۷۰۵/۳۴۴ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ بانک ملی ایران به نام شهرداری بندر ماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.
۳ - شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
۴ - هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۵ - شرکت‌کنندگان باید دارای کد اقتصادی دوازده رقمی (TIN) باشند.
۶ - گواهی معتبر تأیید صلا